



بسم الله الرحمن الرحيم

## موضوع: ادله / دلیل عقلی / امر به معروف و نهی از منکر

### حکم اولیه امر و نهی در واجبات و محرمات/ ادله خاصه

ادله «امر به معروف و نهی از منکر» به سه گروه عمده تقسیم شد؛

۱. ادله عقلیه؛ که شش دلیل مورد بررسی قرار داده شد و بر خلاف مشهور گفتیم ادله عقلیه معتبر هستند گرچه . اعتبار آنها مطلق نبود و تمام مراتب . «امر به معروف و نهی از منکر» . را دربر نمی گرفت اما بعضی از این ادله واقعا ادله ای قوی بودند؛ یعنی اگر هیچ دلیل لفظی . بر وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» . وجود نداشت عقل فی الجمله . به صورت حد اکثری . وجوب و در بعضی موارد استحباب «امر به معروف و نهی از منکر» را اثبات می کرد.
۲. قواعد عامه فقهیه؛ استدلال به این قواعد نیز کمتر در کلمات علماء مطرح شده است، به نظر می آید قواعد عامه فقهی وجود دارند که وجوب و در بسیاری از موارد رجحان را در «امر به معروف و نهی از منکر» افاده می کنند.
۳. ادله خاصه از آیات و روایات.

### ادله خاصه «امر به معروف و نهی از منکر»

- دو گروه اول مورد بررسی قرار گرفت، اکنون به بررسی گروه سوم از ادله می پردازیم؛ گروه سوم ادله خاصه است که به دو بخش ۱. آیات و ۲. اخبار و روایات و احیانا بحث سیره تقسیم می شود.
- اولین دسته از ادله خاصه آیات قرآن هستند که شامل دوازده آیه است و باید مروری بر این آیات داشته باشیم.

### آیه ۱۰۴ سوره آل عمران

در سوره آل عمران سه آیه در مورد «امر به معروف و نهی از منکر» وجود دارد؛

۱. آیه ۱۰۴ سوره آل عمران؛
۲. آیه ۱۱۰ سوره آل عمران؛
۳. آیه ۱۱۴ سوره آل عمران.

به ترتیب آیات ابتدا از آیه ۱۰۴ سوره آل عمران که آیه مشهوری است و در مبحث . قاعده . «دعوت و ارشاد» در باره آن بحث کردیم؛  
 «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup>. آل عمران: ۱۰۴.

در کلمات تمام فقها به این آیه تمسک شده است و اگر به آیات الاحکام مراجعه شود ملاحظه خواهد شد که تقریباً در تمام آنها این آیه به عنوان یکی از مهم‌ترین آیات «امر به معروف و نهی از منکر» آمده است و به نظر می‌آید به لحاظ دلالت بر وجوب آیه ۱۰۴ سوره آل عمران مهم‌ترین آیه باشد؛ از حیث اینکه پایه الزامی «امر به معروف و نهی از منکر» را پایه‌ریزی می‌کند، این آیه مهم‌تر است. (چون این آیه را قبلاً بحث کرده‌ایم مواردی را که گفته شده است را سریع‌تر عبور می‌کنیم و اگر مطلب جدیدی داشت آن را بیشتر بررسی خواهیم کرد. بر اساس روشی که آیات را بررسی می‌کنیم. در این آیه نیز. در جهاتی و نکاتی مباحث را تنظیم کرده، بیان می‌کنیم.)

## سیاق آیه ۱۰۴ سوره آل عمران

نکته اول در این آیه توجه به نکته‌ای تفسیری است و آن اینکه آیه در چه سیاقی قرار گرفته است؟

این آیه در سیاق آیات «دعوت به وحدت» قرار گرفته است، آیه قبل از این آیه یعنی آیه ۱۰۳ «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا»<sup>۲</sup> این در سیاق آیات وحدت قرار گرفته است؛ البته وحدت در این آیه، وحدت بر محور «حبل الله» است؛ گفته شده است مراد از حبل الله قرآن و پیامبر و اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین هستند پس این آیه ملاک وحدت و وحدت را بیان می‌کند والا وحدت مطلوبیت ذاتی ندارد؛ بلکه وحدت بر ملاک و محور حق ارزشمند است.

بنابراین این آیه در سیاق آیات وحدت قرار گرفته است و کل مجموعه آیات وحدت و «امر به معروف و نهی از منکر» و اعتصام بحبل الله و ... در سیاق روابط مسلمانان با اهل کتاب قرار گرفته است؛ حال اگر کسی بحث‌های سیاقی را از لحاظ علوم قرآنی معتبر بداند در این صورت این بیان قابل تأمل است زیرا که اولاً «امر به معروف و نهی از منکر» در سیاق دایره اولیه قرار گرفته است که مرتبط به اعتصام به حبل الله و وحدت است و دوماً مجموعه این موارد در دایره وسعتی قرار گرفته است که بحث روابط مسلمانان با غیر خود و اهل کتاب است، اگر کسی این سیاق را بپذیرد. خصوصاً سیاقهای چند رتبه‌ای. می‌تواند الهاماتی از این مطلب بگیرد. کلیات بحث را به صورت طرح بحث بیان می‌کنیم.

## قرینیت سیاق در فهم معنا

در بحث سیاق دو سؤال مطرح است؛

### توقیفی بودن چینش آیات

۱. چینش آیاتی که در یک سوره قرار گرفته‌اند؛

۱. توقیفی است؛

۲. این توقیفی بودن نیز مفید نکاتی است؛ یعنی رشته‌ای به هم پیوسته است که باید آن را کشف کرد و در شناخت و فهم آیات

به آن به عنوان ادله‌ای برای کشف معنا و الهام‌گیری، توجه نمود. اینکه به هم پیوستگی این آیات توقیفی است یا نه؟ محل بحث

است و می‌گویند توقیفی است؛ در اینکه تنظیم صور توقیفی است و احتمال آن به این قوت. به قوت توقیفی بودن آیات.

<sup>۲</sup> آل عمران: ۱۰۳

نیست اما چینش آیات توقیفی و معتبر است؛ یعنی به امر پیامبر آیات یک سوره چیده شده است و لذا منظومه سوره‌ها توقیفی و به فرمان پیامبر انجام شده است ولی در توقیفی بودن چینش صور اختلاف وجود دارد.

بنابراین اصل اینکه چینش آیات، چینشی دستور داده شده است، صحیح است اما اینکه سیاق نیز امری است که می‌تواند در کشف معنا مؤثر و قرینه باشد، محل بحث است. به لحاظ علوم قرآنی و اصولی.

### مراتب سیاق

ضمن بحث سیاق بر فرض اینکه آن را به طور مطلق و یا فی الجمله معتبر بدانیم فی الجمله بودن اعتبار سیاق مورد قبول و متبع است اما بالجمله بودن آن محل تردید است. نکته‌ای در دنباله این بحث وجود دارد و آن این است که سیاق نیز لایه‌ها و رتبه‌هایی دارد، این مطلب نیز قابل بحث است؛ مثلاً در این آیه و بحث «امر به معروف و نهی از منکر» ما بین چند آیه وحدت و اعتصام بحبل الله آمده است، مجموع این موارد در دایره وسیعی تری قرار گرفته‌اند یعنی «روابط مسلمانان با اهل کتاب» چندین آیه قبل و بعد. از آیه ۱۰۴ سوره آل عمران. در مورد «روابط مسلمانان با اهل کتاب» صحبت می‌کنند، این چنین است که سیاق نزدیک و دور و درجات و دایره‌های این سیاق چه اندازه در فهم معنا نقش دارند، محل بحث است و تبعاً هر چه قدر سیاق دورتر شده، دایره وسیع‌تری پیدا کند، قرینیت آن ضعیف‌تر خواهد شد. فقط با توجه به بحث‌های مبنایی که الان نمی‌خواهیم وارد شویم و فقط تلنگری زدم تا توجهی به بحث پیدا کنیم عرض خودمان را نیز گفتیم که.

بنابراین سیاق فی الجمله قرینیت دارد اما باید حدود قرینیت را جای دیگری بررسی کنیم. هر چقدر هم این سیاق نزدیک‌تر باشد قرینیتش بیشتر است، هر چه فاصله دورتر شود کمتر می‌شود.

### نقش امر به معروف و نهی از منکر در اعتصام به حبل الله

درحقیقت مباحث امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر و ... ارتباطی با مقولۀ سیاق نزدیک و بحث وحدت و اعتصام به حبل الله دارد با این بیان که بهترین راه برای اعتصام به حبل الله و وحدت ایمانی و اسلامی این است دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر صورت گیرد والا اگر نباشد یا حبل الله پاره می‌شود و در نتیجه وحدت نیست یا اگر هم وحدت باشد آن وحدت، وحدت الهی نبوده، ریسمان الهی وجود نخواهد داشت. در ضمن نقش این فریضه در این بحث نکته‌ای تفصیلی است، همان طور که در روابط با اهل کتاب و دیگران هم دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ارتباطی دورتری با آنها نیز دارد.

### مفهوم «وَلْتَكُنْ»

نکته دوم در مادۀ «وَلْتَكُنْ» است؛ «وَلْتَكُنْ» امر غائب است و از مادۀ کان است و هیئتی دارد که اینجا ملاحظه می‌کنید «وَلْتَكُنْ» ، نکته خاصی در این مورد وجود ندارد؛

### نکات تفسیری «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ»

#### یک. ناقصه بودن «کان»

سؤال در این آیه این است که کان در «وَلْتَكُنْ» تامه است یا ناقصه؟

۱. بعضی گفته‌اند: تامه است و امة فاعل آن است.
  ۲. اما غالب مفسرین می‌گویند کان ناقصه است و امة اسم آن است، آنهایی هم که می‌گویند کان ناقصه است و امة اسم آن است باز دو احتمال داده‌اند؛
    ۱. بعضی می‌گویند منکم خیر مقدم کان است و يدعون فقط صفت است.
    ۲. غالباً هم می‌گویند امة اسم است و يدعون خیر است
- ظاهر شاید دومی باشد. اینها دو سه بحث در کان است که اظهر این است که کان در اینجا ناقصه است که اسم و خیر می‌خواهد که اسم آن امة است و يدعون خیر آن است.

### دو. تأکید در «وَلْتَكُنَّ»

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که این امری که روی کون رفته است می‌توانست مستقیم روی خود دعوت برود یعنی آیه می‌توانست بگوید که ولتدع طائفة منکم یا امة منکم إلى الخیر یا ادعوا إلى الخیر، می‌توانست مستقیم ادعوا بیاورد یا حتی امر غایب هم بیاورد به صورت ولیدع، ولتدع و امثال اینها، ولی فرمود که ولتکن منکم امة يدعون إلى الخیر، این مفید تأکید است ضمن اینکه می‌خواسته است امة منکم را بیاورد که با آن قشنگ‌تر درمی‌آید، زیاده‌المبانی تدلّ علی زیادة المعانی و لا اقل دلالت بر تأکید است و لذا اینکه امر کمی در اینجا پیچیده‌تر شده است به خاطر این است که تأکید را افاده کند. نکات دیگری هم دارد که زیاتر می‌شده است برای اینکه امة منکم می‌خواست بیاورد، بنابراین به جای اینکه بگوید ادعوا آمروا بالمعروف دارد که ولتکن منکم امة يدعون، این دو وجه دارد؛

۱. می‌خواست امة منکم بیاورد تا این طور زیبا می‌شده است؛
۲. این گونه بیان مفید تأکید است. که بیاورد کونکم داعین إلى المعروف إلى الخیر.

### سه. تعارض در ظهور «وَلْتَكُنَّ» و اطلاق «الخیر»

هیئت ولتکن، امری بوده، ظهور در وجوب دارد، حال به شکل ظهور لفظی یا عقلی یا اطلاقی یا یکی از وجوهی که گفته شده است. اما مهم این است که این ظهور در وجوب معارض است به ظهور خیر و معروف در اطلاق، زیرا خیر هم واجبات و هم مستحبات را دربرمی‌گیرد، معروف نیز به همین ترتیب بوده، به لفظ هر دو اطلاق دارد. در آن صورت اگر واجب باشد و بخواهد شامل مستحب و ... شود امکان نخواهد داشت چون نمی‌توانیم بگوییم جمع این دو، واجب است. یعنی امر به معروف حتی در جایی که می‌خواهد دعوت به مستحب کند، واجب باشد. فلذا این ظهور ولتکن در وجوب با ظهور خیر و معروف در اطلاق و شمول آن نسبت به مستحبات تعارض دارد، یا باید دست از آن. ظهور امر ولتکن در وجوب. برداشت و یا باید از. اطلاق خیر نسبت به مستحبات و واجبات. دست برداشت.

تعارض ظهور هیئت امر در وجوب یا هیئت نمی‌گاهی در حرمت است با اطلاق متعلق. در تعاونوا علی البرّ والتقوی نیز همین را می‌گفتیم، در آنجا می‌گفتیم تعاونوا امر است و ظهور در وجوب دارد اما اطلاق برّ و تقوی ظهور در مطلق دارد و مستحبات را نیز دربرمی‌گیرد، نمی‌شود این دو را باهم جمع کرد، یا باید بگوید تعاونوا یعنی مطلق رجحان، یا برّ و تقوی بگوییم که مقصود واجبات است. حل این تعارض مورد به مورد هم فرق می‌کند، اینجا ظهور آیه در ظهور وجوبی است یعنی ظهور ولتکن منکم امة يدعون إلى الخیر ظهور وجوبی دارد و این مقدم بر خیر است، به همین دلیل است که می‌گوییم اینجا قوت ظهور ولتکن در وجوب و اقوی بودن آن موجب می‌شود که خیر و معروف را



مقید کنیم، در واقع ظهور وجوبی این به خیر و معروف قید می‌زند که مقصود واجبات است و مستحبات را شامل نمی‌شود. این تعارض و اظهاریت این و تقدم ظهور وجوب بر ظهور اطلاقی خیر و تقید این ظهور بر آن ظهور است. می‌خواستیم یک چیز جامع بگوییم، جامع به این معنا که بگوییم ولتکن در آن واحد در یک محدوده وجوب می‌گوید و در محدوده‌ای استحباب می‌گوید.

### چهار. احتمالات در «منکم»

در من دو وجه گفته شده است؛

۱. من ابتدائیه و بیانیه باشد، آن وقت ولتکن منکم أمة یعنی شما کلاً امتی باشید که شماها هستید. احتمال اول این است که من ابتدائیه و بیانیه باشد، بنابر این احتمال این خطاب متوجه عموم مکلفین است، می‌گوید ولتکن منکم أمة یعنی ولتکونوا أمة، شماها امتی باشید که این کار را انجام دهید، یعنی همه را شامل می‌شود. فاجتنبوا الرجس من الأوثان، رجسی که عبارت از اوثان است، شما امتی باشید که دعوت به خیر کنند که منظور از این آیه بنابر اینکه من بیانیه باشد، توجیه خطاب به همه است.
۲. احتمال دوم این است که من تبعیضیه باشد که ولتکن منکم یعنی گروهی از شما باشند که این دعوت و امر به معروف و نهی از منکر را بکنند.

اینجا مرحوم علامه طباطبایی دو نکته دارد، بعضی دیگر هم دارند؛

۱. بسیاری از مفسرین می‌گویند اظهر در اینجا تبعیض است، این تعبیر ولتکن منکم أمة اظهر در تبعیض است و لذا آن را من تبعیضیه می‌گیرند.
۲. آیا این بحث ثمره‌ای دارد یا ندارد؟ خواه بیانیه باشد یا تبعیضیه باشد؟ مرحوم علامه طباطبایی فرموده‌اند ثمره‌ای ندارد، کسان دیگری هم اشاره‌ای به این کرده‌اند، زیرا؛
  ۱. اگر آیه بگوید منکم یعنی جمعی از شما اقدام کنید یعنی ظهور وجوب کفای دارد، بر همه واجب نیست و باید جمعی اقدام کنند.
  ۲. اما اگر من بیانیه باشد باز هم عقل این را می‌فهمد که امر به معروف و نهی از منکر امر کفایی است.
 فلذا من تبعیضیه باشد یا بیانیه باشد ثمره‌ای در این حکم و مفاد اصلی ندارد، زیرا حتی اگر بیانیه هم باشد باز معلوم است که در هر جایی عده‌ای که بتوانند قیام کنند اکتفای به آن می‌شود و لذا این حرف فرمایشی است که ایشان فرموده‌اند که فرقی نمی‌کند.

### بیان استاد

دو نکته در تکمیل این عرض می‌کنیم؛

۱. اگر «من» در «منکم» تبعیضیه باشد، در این صورت دو جهت دارد؛
  ۱. لازم نیست در قیام امر به معروف و نهی از منکر همه اقدام کنند و باید گروهی اقدام کنند به حدی که من به الکفایه باشد.
  ۲. «منکم أمة» به اینکه امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد، اشاره‌ای می‌کند؛ یعنی افرادی اقدام کنند که واجد شرایط باشند.

پس اینکه گفته است گروهی از شما یک جهت آن این است که در هر موردی لازم نیست همه جمع شوند و عده‌ای کافی است. جهت دوم این است که شرایطی برای قیام امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد و این اشاره به آن شرایط دارد یعنی گروهی که واجد شرایطند.

۲. روایتی در ذیل این آیه در کافی و نورالثقلین آمده است که مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ<sup>۳</sup>، بیان شده است. ظهور آن روایت در این است که من تبعیضیه است و تبعیض هم بیشتر ناظر به جهت دوم است، یعنی اینکه همه را نگفته است برای این است که همه واجد شرایط نیستند یعنی تبعیض از حیث این است که همه واجد شرایط نیستند و بعضی واجد شرایط هستند، البته مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ محل بحث است، توثیق خاص ندارد ولی در عین حال فرد مهمی بوده است، اگر کسی آن را بپذیرد روایت معتبر می‌شود، آن روایت این نکته دومی را که گفتیم به صراحت می‌گوید.

پس اینکه می‌گوید گروهی از شما برخیزید دو جهت دارد؛

۱. امر به معروف واجب کفایی است.

۲. در روایت نیز به آن اشاره شده است، همان واجب کفایی هم متوجه همه نیست بلکه شرایط دارد، انسان‌های واجد شرایط که در آنها هم واجب کفایی است، دو تبعیض اینجا وجود دارد و منکم به هر دو اشاره دارد، به خصوص با ملاحظه روایت البته اگر روایت هم نبود هر دو جهت آن با قواعد تفسیری عقلیه و عقلایی هم استفاده می‌شد. البته آن‌هایی که من بیانیه می‌گیرند به همین هم تمسک کرده‌اند.

### اختصاص آیه در ائمه معصومین علیهم السلام

در روایات گفته شده است که مقصود ائمه هستند، آن باطن و تأویل روایت است، ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير گفته شده است مختص به ائمه است یعنی کار دیگران نیست، این همان بیان مصداق بارز است یعنی دعوت اصلی به خیر و هدایت اصلی بشر به خیر کار ائمه و اهل بیت است، آن هم در واقع تأویل و بیان مصداق بارز است، البته راجع به این می‌شود بحث‌های دیگری نیز کرد.

### مفهوم «أمة»

بحث دیگر مربوط به امة است؛ امة جماعة المنتفع و قاصد لمقصد واحد، منتها امت در قرآن و روایات هم گفته شده است که گاهی به فرد هم اطلاق می‌شود.

<sup>۳</sup> . عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْجِبُ هُوَ عَلَى الْأُمَّةِ جَمِيعًا فَقَالَ لَا فُقِيلَ لَهُ وَ لَمْ قَالَ إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمَطَاعِ الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ لَا عَلَى الضَّعِيفِ الَّذِي لَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى أَيِّ مِنْ أَيِّ يَقُولُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ وَ الدَّلِيلِ عَلَى ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَوْلُهُ وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَهَذَا خَاصٌّ غَيْرُ عَامٍّ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ مِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ لَمْ يَقُلْ عَلَى أُمَّةٍ مُوسَى وَ لَا عَلَى كُلِّ قَوْمٍ وَ هُمْ يَوْمِنَا أُمَّةٌ مُخْتَلَفَةٌ وَ الْأُمَّةُ وَاحِدَةٌ فَصَاعِدًا كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ يَقُولُ مُطِيعًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَيْسَ عَلَى مَنْ يَعْلَمُ ذَلِكَ فِي هَذِهِ الْهُدْيَةِ مِنْ حَرَجٍ إِذَا كَانَ لَا قُوَّةَ لَهُ وَ لَا عُذْرَ وَ لَا طَاعَةَ قَالَ مَسْعَدَةَ وَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْحَدِيثِ الَّذِي جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ صَ إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ مَا مَعْنَاهُ قَالَ هَذَا عَلَى أَنْ يَأْمُرَهُ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ يَقْبَلُ مِنْهُ وَ إِذَا فَلَا. الكافي (ط - الإسلامية) ج ۵ ۵۹ باب الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر

